

سبک شناسی

سبک: شیوه خاص یک اثر یا مجموعه آثار ادبی است. مجموعه ویژگی‌هایی است که شاعر یا نویسنده در نحوه بیان اندیشه و اسلوب‌های لفظی بدان توجه داشته‌اند. شاعر و نویسنده با انتخاب الفاظ، طرز تعبیر، ترکیب کلمات و روش خاص در بیان ادراک و احساس خویش شیوه‌ای را پی می‌ریزد که اثر او را از دیگر آثار ادبی متمایز می‌سازد.

دسته بندی سبک بر اساس نظریه ارسطو

- بر اساس نام مولف و خالق اثر، مانند سبک هومر و سبک حافظ
- بر اساس زمان و دوره اثر، مانند سبک قرون وسطایی و سبک جدید
- بر اساس زبان به کار گرفته شده در اثر، مانند سبک ایرانی و فرانسوی
- بر اساس موضوع، مانند سبک عرفانی
- بر اساس محیط جغرافیایی، مانند سبک آذربایجانی و سبک خراسانی
- بر اساس هدف، مانند سبک تعلیمی و سبک فکاهی
- به تناسب مخاطب‌ها، مانند سبک عامیانه یا عالمانه

سبک شناسی نثر

تعریف نثر

نثر در لغت به معنی پراکنده کردن است و در اصطلاح مخالف شعر است و آن سخن بی پیرایه و صریحی باشد که انسان بدان وسیله مقاصد خود را در گفتار و نوشتار ادا می کند.

تفاوت نثر با نظم

- نظم به قیود خاصی محدود است اما نثر از آزادی و وسعت مجال برخوردار است.
- وجود وزن و قافیه را از موارد دیگر اختلاف میان نظم و نثر گفته اند. اما نثر در جریان تطور و تکامل خود و در انواعی چون نثر فنی گاه از این لحاظ توانسته به نظم نزدیک شود و این مورد اختلاف را به حداقل کاهش دهد.

○ دسته بندی و نام گذاری آثار نثر فارسی

○ بر پایه شیوه نگارش

○ بر پایه دوره زمانی

○ بر پایه محتوا

انواع نثر را در ادبیات فارسی بر حسب سیر تکاملی آن بدین شرح بر شمرده اند:

✓ نثر مرسل

✓ نثر بینابین

✓ نثر فنی

✓ نثر مصنوع و متکلف

✓ نثر دوره مشروطه

نثر مرسل

✓ مرسل اسم مفعول از ارسال به معنی رها شده و آزاد است. یعنی نثر بی تکلف و غیر مقید به صنایع ادبی و فنون تزئینی کلام.

✓ نثر مرسل: نخستین شکل از اشکال نثر مکتوب و در واقع آغازگر فن نثر است و آن را نثر مترسلانه نیز می خوانند.

ویژگی های نثر مرسل

(۱) نثر مرسل نثری است :

(۲) - ساده و روشن با جملات کوتاه

(۳) خالی از لغات مهجور عربی

(۴) عدم استفاده از مترادفات

(۵) توصیفات کلی و کوتاه و بیشتر معطوف به امور بیرونی

نام های دیگر نثر مرسل :

نثر سبک خراسانی

نثر بلعمی

نثر دوره اول

نمونه های نثر مرسل

- قصص الانبیا

- ترجمه تاریخ طبری

- ترجمه تفسیر طبری

مختصات زبانی نثر مرسل

- غالباً بر سر فعل ب آورده است: بفرمود، بگفت
- تکرار در عدد: سیصد هزار و بیست و چهار هزار
- جمع بستن جمعهای عربی: حروف ها، الوانها
- آوردن کلمات عربی با تلفظ ت نه ه: سورت، کلمت
- اندر به جای در
- آوردن متمم فعل بعد از فعل
- ترتیبی بین اجزای جمله دیده نمی شود.

نثر بینابین

- نثر منشیان و دبیران عهد غزنوی
- ظهور در پایان دوره نثر مرسل و آغاز نثر فنی به فاصله نیم قرن (۵۰ سال)
- دارا بودن سادگی و استواری نثر مرسل
- به همراه داشتن نشانه هایی از آمیختگی نظم و نثر و ورود لغات عربی و آیات و احادیث

نمونه های نثر بینابین:

- تاریخ بیهقی
- سیاست نامه
- قابوس نامه

نثر فنی

- نثری است که می خواهد به شعر نزدیک شود.
- هم از نظر زبان و هم از نظر فکر و هم از نظر ویژگی های ادبی نمی توان آن را نثر دانست.

• نثری است شعروار

- دارای زبان تصویری و سرشار از آرایه های ادبی است.

مختصه های سبکی نثر فنی

- استفاده فراوان از آیات ، احادیث و ضرب المثلهای عربی

• برتری توصیف بر خبر

- آمیختگی شعر و نثر با هم دیگر

- نصرالله منشی آغازگر نثر فنی است.

- کلیله و دمنه از نمونه برجسته نثر فنی است.

نثر مصنوع و متكلف

- نثری است لبریز از تكلف و آرایه های ادبی

- در این نثر معنا تحت تأثیر لفظ قرار دارد.

نمونه های نثر مصنوع و متكلف: تاریخ جهانگشای جوینی / مقامات حمیدی / حبیب

السییر(اثر خواندمیر)

نثر دوره مشروطه

- دوری از تكلف

• رعایت اصل ساده نویسی

• حفظ اصالت معنی

نمونه های نثر مشروطه: نوشته های میرزا فتحعلی آخوندزاده / نوشته های طالبوف /
نوشته های حاج زین العابدین مراغه ای

سبک شناسی شعر

سبک شعر: مجموعه ویژگیهایی است که شاعر یا شاعران در نحوه بیان اندیشه و اسلوبهای لفظی بدان توجه داشته اند. شاعر و نویسنده با انتخاب الفاظ، طرز تعبیر، ترکیب کلمات و روش خاص در بیان ادراک و احساس خویش شیوه ای را پی می ریزد که اثر او را از دیگر آثار ادبی متمایز می سازد.

دسته بندی سبکهای شعر فارسی از منظر ملک الشعرا بهار

سبک خراسانی یا ترکستانی (آغاز شعر فارسی تا قرن ششم)

سبک عراقی (از قرن ششم تا قرن دهم)

سبک هندی (از قرن دهم تا قرن سیزدهم)

دوره بازگشت در تمام طول قرن سیزدهم

دوره مشروطه

دوره معاصر

سبک خراسانی

سبک خراسانی ابتدا در خراسان به وجود آمد و چون ترکستان هم جزء خراسان بزرگ بود بدان ترکستانی نیز گفته اند و به علت آنکه ظهورش در زمان سامانیان بوده، آن را سبک سامانی نیز نامیده اند.

دسته بندی سبک خراسانی بر حسب زمان

(۱) سبک سامانی

(۲) سبک غزنوی

(۳) سبک سلجوقی

از شعرای معروف سبک خراسانی: رودکی، فزخی، عنصری، منوچهری، فردوسی، ناصر خسرو، سنایی، مسعود سعد، ...

مختصه های سبک خراسانی

الف) مختصات زبانی

(۱) سادگی زبان شعر (این دوره را دوره تکوین زبان می نامند).

(۲) کمی لغات عربی و لغات بیگانه (به جز اصطلاحات دینی و علمی)

(۳) تفاوت تلفظ برخی از کلمات در مقایسه با زبان امروز

(۴) کهنه و مهجوربودن بخشی از لغات درمقایسه با زبان امروز

ب) مختصات فکری

➤ روح شادی و نشاط و خوش باشی و تساهل در شعر غلبه دارد.

➤ شعر واقع گراست و توصیفات عمدتاً طبیعی و ساده و محسوس و عینی است.

➤ معشوق عمدتاً زمینی و دست یافتنی است.

➤ جنبه های عقلانی بر جنبه های احساسی و عاطفی غلبه دارد.

➤ روح حماسه بر ادبیات این دوره حاکم است.

➤ اشعار پندآمیز و اندرزگونه این دوره ساده است و جنبه های عملی و دستوری دارد.

➤ مضمون عمده اشعار این سبک مرثیه، حکمت، تند و اندرز، حماسه، غنا و ... است.

ج) مختصات ادبی

○ قالب عمده شعر قصیده است و مسمط و ترجیع بند در حال شکل گیری هستند.

○ استفاده از آرایه های ادبی، طبیعی و متداول است.

○ قافیه و ردیف بسیار ساده است.

○ در توصیفات بیش تر از تشبیه (از نوع حسی) بهره گرفته می شود.

سبک عراقی

با گسترش شعر دری در عراق و آذربایجان و توجه نویسندگان و شاعران به علوم و ادبیات، در شعر و نثر نیز تحولی پیدا شد. این تحول ابتدا در شعر شاعرانی چون انوری و ظهیر فازیابی دیده می شود. در آذربایجان نیز خاقانی و نظامی شیوهای نو بوجود آوردند که به سبک آذربایجانی شهرت یافت. در عراق نیز شاعرانی چون جمال الدین اصفهانی و کمال الدین اسماعیل و سعدی در دوره مغول و سپس حافظ این سبک را به اوج خود می رساند. این دوره را می توان شکوفاترین دورانی دانست که زبان و ادب فارسی به خود دیده است.

شاعران معروف سبک عراقی:

انوری، خاقانی، نظامی، سعدی، حافظ، عطار، مولوی، سلمان ساوجی و خواجوی
کرمانی

الف) مختصات زبانی

۱) کثرت لغات و ترکیبات عربی

۲) از میان رفتن لغات مهجور فارسی نسبت به سبک خراسانی

۳) وفور ترکیبات نو

۴) حرکت زبان به سوی دشواری و کاسته شدن از روشنی و سادگی و روانی

۵) ورود لغات ترکی

ب) مختصات فکری

۱) گسترش غزلیات و مثنوی های عاشقانه

۲) گسترش عرفان و تصوف

۳) معشوق خداوندگار و حاکم بر عاشق است، برخلاف سبک خراسانی

۴) وفور زهد ستایی و وعظ و اندرز در شعر

۵) فاصله گرفتن تغزل از تمایلات نفسانی و در نتیجه آسمانی شدن عشق

۶) رواج هجو و هزل در شعر

۷) رواج حس دینی و ضعف ملیت گرایی

۸) بیزاری از حکمت یونانی

۹) درون گرایی در شعر و توجه به احوال شخصی و مسائل روحی

ج) مختصات ادبی

- رواج یافتن اکثر قالب های شعری خصوصا غزل و مثنوی و به اوج رسیدن آنها
- رواج یافتن انواع موضوعات شعری (عرفان، زهد، داستان سرایی، حبسیه، هجو،...)
- نرم و خوش آهنگ تر شدن آوازن شعری نسبت به سبک خراسانی
- توجه بیش از پیش به آرایه های ادبی
- اجتناب از صراحت بیان و به کاربردن مجاز و کنایه و استعاره و ایهام
- التزام ردیف های فعلی و اسمی دشوار در شعر

سبک هندی

در ایران از قرن یازدهم آغاز شد.

در قرن دوازدهم پایان یافت.

اما در شبه قاره و افغانستان به حیات خود ادامه داد.

ابتدا با «مکتب وقوع» یا «شیوه بیان حال» در قرن دهم

الف) مختصات زبانی

- به کارگیری اصطلاحات و لغات مردم عامه
- بی توجهی به متانت و صحت زبان
- آوردن ترکیبات غریب و نامأنوس

ب) مختصات فکری

- توجه به معنی و مضمون و رها کردن زبان

○ اظهار نامرادی و یأس

○ رواج حکمت عامیانه و توجه به خرافات و فرهنگ عامیانه

○ بیان احوال شخصی و عواطف مربوط به زن و فرزند و خویش و پیوند

○ واقعه گویی و واسوخت

(ج) مختصات ادبی

❖ مضمون سازی و جست و جوی معانی بیگانه (از طریق تشخیص، حس آمیزی و ...)

❖ تازه گویی و نازک اندیشی و نکته سنجی و دقت در جزئیات

❖ پیچیدگی و ابهام در کلام

❖ استفاده فراوان از تمثیل و ارسال مثل و اسلوب معادله

❖ آوردن کنایات و استعارات دور از ذهن

❖ سبک دوره مشروطه

در دوران معاصر، مهم ترین دگرگونی اجتماعی که به تحول در فکر و در نتیجه به سبک شعر و نثر انجامید انقلاب مشروطه است و ادبیات مشروطه برآمده از این انقلاب است.

(الف) مختصات زبانی

• استفاده از زبان مرسوم و آسانی و روانی نحو جملات

• استفاده از لغات فرنگی و آزادی استفاده از همه ی واژه ها در شعر

(ب) مختصات فکری

۱. پیدایش این عقیده که شعر فقط به بیان مطالب خاصی از قبیل عشق، عرفان، مدح

و هجو مختصر نمی شود.

۲. توجه به مسایل اجتماعی و سیاسی و موضوعات روز

۳. توجه به تاریخ ایران باستان، انتقاد از بیداد، برانگیخته شدن شور تجدد و تجدید

حیات فکری

۴. تنوع موضوعات

ج) مختصات ادبی

۱. کم توجهی شاعران به صنایع ادبی نسبت به گذشته

۲. رواج قوالب جدیدی از انواع ترجیع بند، مستزاد، مسمط و چهار پاره با دخل و

تصرف در قالب های سنتی

۳. انتقاد از ادبیات گذشته و تاختن به مضامین ادبی و دوره بازگشت

۴. تلاش در نوآوری و نوگرایی، که اوج آن را در ظهمور نیما و شعر نو می توان

مشاهده کرد.

الف) مختصات زبانی

ب) مختصات فکری

ج) مختصات ادبی